



تیترهای امروز

مراسم تشییع حمید سبزواری در تهران برگزار شد

## وداع با استاد



صفحه ۱۲

آیت الله آملی لاریجانی با اشاره به اعتراف اخیر بان کی‌مون درباره ماجرای فشار مالی عربستان:

## به سازمان ملل

## تسلیم می‌گویم

صفحه ۲

## تجمع کودکان یمنی

### علیه سازمان ملل

کودکان یمنی در این تجمع به نشانه اعتراض مطالبی را برای کمک به سازمان ملل جمع‌آوری کردند

صفحه ۱۵

آمریکا و روسیه هم حریف ما نبودند

## هت‌تریک قهرمانی

### کشتی آزاد ایران

صفحه ۱۴

یادداشت میهمان

## سرآب افزایش درآمدهای نفتی پس از برجام

دکتر سیدمحمدعلی غفیبی ■



اخیراً برخی مقامات دولتی در توجیه پذیرش برجام ادعا کرده‌اند در صورت عدم پذیرش برجام، صادرات نفت کشور صرف می‌شد که نتیجه آن حذف ایران از بازار نفت بود. بررسی کارشناسی این موضوع با استناد به آمار و ارقام بیانگر این واقعیت است که ادعای یادشده با مستندات موجود ثابت نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد این ادعا بیشتر سیاسی است و با اهداف خاصی مطرح می‌شود.

بررسی ارقام صادرات نفت‌خام کشور بیانگر آن است که به دنبال تشدید تحریم‌ها و بویژه تحریم خرید نفت ایران توسط کشورهای غربی و متحدان آنها صادرات نفت‌خام کشور از حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز به سرعت با طی روند نزولی در مدت کوتاهی به کمتر از یک میلیون بشکه در روز رسید اما با تمهیداتی که در دولت قبل اندیشیده شد، روند نزولی صادرات نفت‌خام متوقف شد و صادرات نفت مجدداً به حدود یک میلیون بشکه در روز افزایش یافت و کم‌وبیش در همین سطح تثبیت شد. البته اگر ارقام صادرات میعانات گازی و صادرات نفت کوره را هم به این رقم اضافه کنیم، جمع آن به مراتب بیشتر از یک میلیون بشکه در روز بود.

با تغییر دولت و روی کار آمدن دولت یازدهم، صادرات نفت‌خام کم‌وبیش در همین سطح دنبال شد، زیرا وزارت نفت در همان بستری که قبلاً ایجاد شده بود صادرات نفت را ادامه داد و صادرات نفت‌خام تا زمان پذیرش برجام حدوداً در سطح یک میلیون بشکه در روز قرار داشت و اینگونه نبود که در زمان پذیرش برجام، صادرات نفت کشور نزدیک به صفر بوده باشد، بلکه صادرات نفت‌خام کشور از زمان تحریم‌ها پس از یک نوسان تا زمان برجام، در سطح یک میلیون بشکه در چند سال اخیر تثبیت شده بود. بدیهی است تحریم کنندگان درصد آن بودند که صادرات نفت کشورمان را به صفر برسانند اما تلاش‌های صورت گرفته باعث شد آنها به هدف خود هرگز دست پیدا نکنند. تحریم کنندگان برای دستیابی به هدف خود علاوه بر تحریم خرید نفت کشورمان، تحریم‌های دیگری را هم اعمال کردند که تحریم نفتکش‌های حامل نفت کشورمان و...



## سخنگوی دولت درباره دستمزدهای جنجالی مدیران توضیح داد

## عذرخواهی

## بابت حقوق‌های نجومی

صفحه ۳

تحلیلی از پدیده میتینگ دهه هشتادی‌ها در مجتمع کورش

### بی‌هدف برای هیچ کار

علاقه به حیوانات، علاقه به کودکان کار، اهل ورزش بودن یا حتی یک خصیصه ظاهری مثل موفرفری (بودن) مشترک کند. در واقع این کاتال دعوت به حضور در میتینگ‌ها هم هیج موضوع و دستتور کار مشخصی ندارند. نه قرار است فعالیت مشخصی مثل کوهنوردی یا آب بازی پارک آب و آتش - انجام داده شود، نه میهمان نامداری (مثل یک خواننده یا بازیگر) در میتینگ حضور خواهد داشت و نه قرار است پیام مشخصی (مثل اعتراض به وضع بد آموزش پرورش) از این تجمع منبخره شود.

مکانی که برای این میتینگ انتخاب شده است هم باید مورد توجه قرار بگیرد. با بررسی کاتال متوجه می‌شویم اکثریت قریب به اتفاق میتینگ‌ها در مرکز خرید پلادیوم، مرکز خرید کورش و مرکز خرید تیرازه برگزار شده است. این پاساژها فاقد هرگونه فضای تفریحی جمعی هستند و صرفاً کافه و فودکورت و شهربازی‌های کوچکی دارند که سر جمع توان سرویس دهی به ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر را دارند. در واقع دعوت به میتینگ‌ها، دعوت به اشغال فضای آزاد روه‌روی مغازه‌ها و درون لابی‌هاست.

سوال: برای چه کاری به میتینگ می‌رویم؟ جواب: برای اینکه تعدادی غریبه دیگر هم آنجا هستند. سوال: و قرار است چه کار کنیم؟ جواب: هیچ کار. سوال: حداقل جای خوش آب‌وهوا و خوش منظره‌ای است دیگر؟ جواب: نه! یک مرکز خرید

اصلی‌ترین نکته همینجاست. هر موقع از روز شما از خانه بیرون بیابید و بروید به یک خیابان شلوغ یا یک مرکز خرید، تعدادی غریبه آنجا خواهید دید که قصد کار مشترکی با شما ندارند. در واقع این کاتال «هیچ» به شما عرضه می‌کند و از شگفت روزگار اینکه این «هیچ» مشتری چندصد نفره پیدا می‌کند. البته که ممکن است این جوانان و نوجوانان با شلوغ شدن محل میتینگ، حرکت و فعالیت گروهی را هم انجام دهند ولی چنین حرکت‌های آلبانایه‌ها، نه در قصد مشترک حاضران بوده است و نه به ابتکار دعوت کنندگان.

«میل دورکیم»، پدر جامعه‌شناسی مدرن، در تحلیل رشد و تکامل جوامع از جامعه مکانیک به جامعه ارگانیک، وضعیتی را تشریح می‌کند که پیوندهای جامعه مکانیک سست شده و در آستانه گسستن است تا به جامعه ارگانیک بدل شود. از سوی دیگر هنجارهای جامعه مکانیک نیز از بین رفته‌اند اما مساله اینجاست که هنجارهای جامعه اعضا مطمئن باشند با هم‌دیگر در یک ویژگی (مثلاً

خروجی از یک میتینگ را امیدوار کننده و غرورآفرین دانست؟

۲- غرق شدن در فضای مجازی: حضور طولانی مدت و فعالانه این نسل در فضای مجازی که بنا بر آمارها از استاندارد جهانی هم بسیار بالاتر است، به الیناسیون بخشی از این نسل منجر شده است؛ از خود بیگانگی و بی‌هویتی. امتیاز نسل‌های پیشین در جهان واقع تعریف می‌شد. درسخوان، سختکوش، مودب، ورزشکار و... ارزش‌های نوجوانان و جوانان نسل پیش بود که در جهان حقیقی تعریف می‌شد و در همین جهان هم کاربرد می‌یافت اما وقتی مدت زمان حضور در فضای مجازی از مدت زمان زندگی در جهان حقیقی پیشی گرفت، دیگر جای تعجیبی نیست که ملاک ارزشمند بودن، اهمیت و وقت‌است نیز هنوز نتوانستند جایگزین آن شوند. در این وضعیت، میتینگ کورش مثال خوبی است که به ما نشان بدهد بخشی از جامعه چنان از ارزش‌ها خالی شده است که دعوت به حضور در یک جای معمولی، بدون حضور افراد ارزشمند و بدون قصد انجام کاری ارزشمند را لبیک می‌گوید؛ یک توده انسانی خنثی و بی‌هدف.

از سوی دیگر حضور پررنگ این نسل در فضای مجازی، اثر عمده بر آنها داشته است.

۱- مرجعیت فضای مجازی: اینکه این نسل عمده اطلاعاتش را از فضای مجازی می‌گیرد و آن هم نه سایت و خبرگزاری‌های معتبر که کاتال فلان و صفحه بیسار به کنار، در میتینگ کورش به نظر می‌آید فضای مجازی به فرمانده راهبر تبدیل شده است. کاتالی که روز و ساعت حضور در یک مکان را مشخص می‌کند بدون اینکه کار و هدفی را مشخص کند. به پست‌های کاتال که نگاه می‌کنیم، به غیر از دعوت‌ها، ۴-۳ کلیپ در کاتال قرار دارد از میتینگ‌های پیشین که کل کل‌ها و دعوای بی‌شمرمانه پسران و دختران است. آخرینش هم کلیپ دعوی چند دختر دبیرستانی است که ۲ هفته قبل از میتینگ کورش روی کاتال قرار گرفته است. چند دختر به طرز ناراحت‌کننده‌ای همدیگر را می‌زنند و چند پسر دبیرستانی هم ایستاده‌اند و تماشا می‌کنند. شامگاه روز ۱۸ خرداد هم از کلیپ‌هایی که از میتینگ کورش بیرون آمده، دستگیرمان می‌شود چند دختر نوجوان همدیگر را می‌زنند و پسرهایی هم درشان را گرفته‌اند و کف و سوت‌زنان تشویق می‌کنند. برای مخاطب غربی که از دوران کهن یا گلا‌دیاتورهای شان را به جان هم می‌انداخته‌اند یا ماتادورها را به جان گاوها یا کشتی‌کج کاران و مبارزهای آزاد را راهی لتوپار کردن یک‌دیگر می‌کرده‌اند، تماشای دعوی دخترکان با «Girls Fight» چیز مطبوع و خوشایندی است اما برای مخاطب ایرانی چطور؟! آیا می‌توان چنین

از ظاهر حاضران نیز بر می‌آید متعلق به طبقه متوسط به بالای اجتماع هستند. طبقه‌ای که فرهنگ مدرن و مشغله‌های والدین، تا بدانجا هسته مرکزی آن را سست کرده است که فرزندان حضور ما امری شایع است اما ناسزا گفتن در فضای حقیقی عواقب دیگری دارد. به‌دگریری می‌انجامد و آسیب و...

## سرهنگ

## یا «حقوق» دان؟

دکتر محمدرضا مهدیار اسماعیلی ■

آن سطر آخر در عبارت «گزارش‌های واسله نشان می‌دهد مواردی از پرداخت‌های غیرمتعارف و ارقامی تحت عنوان پاداش و وام وجود داشته است که اگر چه ممکن است با مقررات به‌جامانده از دوره‌های قبل توجیه‌پذیر باشد...» به عقیده من غیرمنصفانه‌ترین بخش از نامه رئیس‌جمهور روحانی به معاون اول خود پیرامون غائله فیش‌های حقوقی چندصد میلیونی صادر شده در دولت فعلی است و در این باره بیان چند نکته بسیار ضروری است.

یکم: تمسک به «مقررات به‌جامانده» زمانی می‌تواند عجالتاً سایه اتهام را از غائله فیش‌های حقوقی چندصد میلیونی کوتاه کند که دولت در ابتدای دوره تصدی خود باشد. اینکه یک دولت پس از ۳ سال از عمر خود، درباره شیوه پرداخت حقوق، متوجه مقررات به‌جامانده نشده باشد نشان‌دهنده این است که دولت در مدت تصدی خود به کلی نسبت به مسؤلیت خویش کاستی داشته است. توجه اکید کنید که موضوع پرداخت حقوق چیزی نیست که دولت بتواند بگوید طی این ۳ سال مبتلا به آن نبوده، لذا قوه مجریه با آن مواجه نشده است! این دولت دست‌کم ۳ مرتبه لایحه بودجه نوشته است و در آن ریز به ریز حقوقی که باید به عائله خود پرداخت کند را مورد جرح و تعدیل قرار داده است، لذا تکیه بر «مقررات به‌جامانده» برای یک دولت ۳ ساله ابتدا توجیه‌پذیر نیست.

دوم: دولت یازدهم ۲۷ مرداد ۹۲ در نخستین جلسه رسمی خود ۱۰ مصوبه دولت قبل را لغو کرد که بخش عمده‌ای از آن مربوط به مواردی بود که از نظر دولت محترم موازنه‌ای با «عدالت و تعهد در قبال بیت‌المال» نداشتند است. بنابراین لغو مصوبات گذشته و به نحو اولی اصلاح مقررات به‌جامانده تقریباً اصلی‌ترین موضوعات جلسات آغازین این دولت بوده است. همچنانکه اصلاح مسائل معیشتی اعضای هیات دولت جزو نخستین مصوبات دولت پس از آغاز تصدی بود که گفته می‌شد دست‌کم تا ۴۰۰ درصد افزایش در حقوق مسؤولان عالی را در بر داشته است.

سوم: از حیث ساختار بودجه‌ریزی در کشور، اصولاً در ایران یک بند مهم در تمام لویج بودجه وجود دارد تحت عنوان «کمک‌های بلاعوض». این کمک‌های بلاعوض عنوانی است که در تمام دولت‌ها رقمی ذیل آن تعیین می‌شد تا برای هزینه‌های خارج از چارچوب و به صلاحدید رئیس آن سازمان - از رئیس‌جمهور سوم - از ساختار بودجه‌ریزی در تمام لویج اصولاً در ایران یک بند مهم در تمام لویج بودجه وجود دارد تحت عنوان «کمک‌های بلاعوض». این کمک‌های بلاعوض عنوانی است که در تمام دولت‌ها رقمی ذیل آن تعیین می‌شد تا برای هزینه‌های خارج از چارچوب و به صلاحدید رئیس آن سازمان - از رئیس‌جمهور گرفته تا وزیر یا غیر آن - برای هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده یا مواردی که امکان بودجه‌ریزی یا تعیین ردیف بودجه مستقل برای آنها نیست در نظر گرفته شود. در سالیان گذشته که دولت‌ها انواع و اقسام طرح‌های عمرانی را دنبال می‌کردند، این ردیف‌های کمک بلاعوض برای حل کردن گیر و گرفت‌های پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای سازمان‌ها عادتاً به کار گرفته می‌شد. این در حالی است که دولت به‌گونه لویج بودجه‌ای که خود تقدیم مجلس کرده است، غالب فعالیت‌های عمرانی کشور را چندقفل کرده است لذا جای این سوال می‌ماند که در چنین شرایطی ردیف‌های پیشین کمک‌های بلاعوض، چرا همچنان با ارقام سنگین لایحه می‌شود؟

چهارم: انتشار تصویر فیش‌های حقوقی ۲۳۴ میلیونی و امثال آن منجر به عکس‌العمل قشر اول حقوق‌گیر جامعه و انتشار فیش حقوقی یک میلیونی‌شان شد که این مهم ضرورت توجه به نکته ذیل را ایجاد می‌کند؛ ما در معاينه وضعیت سلامت اقتصاد یک کشور، معیاری داریم که تحت عنوان «ضریب جینی» معرفی می‌شود. «ضریب جینی» شاخصی است که میزان شکاف طبقاتی را بین دهک مرفه جامعه با دهک ضعیف جامعه نشان می‌دهد. هرچه این ضریب به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده برابری بیشتر در توزیع درآمد بین دهک اول و آخر جامعه است. نکته بسیار مهم درباره ضریب جینی آن است که اگر چه این شاخص از جمله شاخص‌های مهم و راهنما در مطالعه اقتصاد کشور است اما تغییرات عددی آن پیرو اعمال سیاست‌های جدید، چندان به صورت عدد دقیق قابل احصا نبوده و مناقشه‌برانگیز است.